

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۱۳ سپتمبر ۲۰۲۴



یونس نگاه

نام کافی نیست

یکی از مصاحبه‌های آقای لعلزاد را شنیدم که می‌گفت افغان در گذشته معادل پشتون نبوده بلکه به ساکنان منطقه‌ای در جنوب و شرق افغانستان و شمال و شرق پاکستان (نقل به مضمون) گفته می‌شده است. این سخن آقای لعلزاد احتمالاً درست است. نام‌ها ثابت نمی‌مانند و فرهنگ‌ها دایم در حال دگرگونی و جابه‌جایی اند. نام اقوام هم همین‌طور شکل می‌گیرند. همه تاجیک‌ها یا ازبیک‌ها از یک قبیله نیستند، بلکه طی قرن‌ها این نام‌ها و هویت‌ها با دادوستد، کوچ و جابه‌جایی قبایل گوناگون شکل گرفته‌اند. قبایل عرب، هندی، ترک، بلوچ، مغول، پشتون، کرد و خیلی‌های دیگر در شکل‌دهی ترکیب کنونی تاجیک نقش داشته‌اند. نام‌ها و هویت‌ها را نمی‌توان با دعوا و جنجال از دوش جمعی خود دور کرد یا صاحب شد. برای تصاحب نماد فرهنگی، یا نام و هویتی نیاز به ابزار و توانایی‌هایی دارید که اگر به آن دست یابید به آسانی می‌توانید در تغییر مفهوم نام‌ها و هویت‌ها نقش بازی کنید. پشتون‌ها به دلیل آن‌که بازیگر برتر این سرزمین بوده‌اند خیلی چیزهای دیگر را از خود کرده‌اند. مثلاً خان اکنون نام دیگر پشتون است. اما در گذشته چنین نبوده است. می‌گویند این نام را مغول‌ها به منطقه ما آورده‌اند و باقی اقوام ساکن افغانستان نیز خان دارند، ولی از آنجایی که پشتون‌ها طی چند قرن صحنه سیاست و تجارت را در دست داشته‌اند، این عنوان پرکاربرد در سرزمین ما نام پشتون‌ها شده است. کلاه سرخ ازبیکی و هزارگی را ببینید که طی چند سال چگونه پشتون‌های معترض در پاکستان از خود کردند. آنان چون به توانایی جمعی خود اعتماد داشتند کلاه سرخ رایج در افغانستان را به نماد سیاسی خود بدل کردند، بی‌آن که از ازبیک شدن هراس داشته باشند. کلاه پکول را ببینید که چگونه احمدشاه مسعود و مجاهدین پنجشیری از کمر و نورستان گرفتند و اکنون در بیرون افغانستان و حتی در داخل کشور آن را نماد مجاهدان تاجیک، به خصوص پنجشیر می‌دانند.

کلاه لب‌بریده رایج در قندهار را می‌گویند از بلوچ‌ها گرفته اند. بلوچ‌ها حالا نیز این کلاه را می‌پوشند ولی قندهاری‌ها بدون ترس از آسیب هویت آن را پوشیده و از خود کرده اند.

اتنی که امروز ویژه پشتون‌ها تصور می‌شود، رقص سنتی منطقه ماست که از شرق اروپا تا قفقاز و ایران و پاکستان و افغانستان مردم آن را هنوز با تفاوت‌هایی حفظ کرده اند.

مفاهیمی چون جرگه و الوس نیز اصلاً پشتو نبوده بلکه از طریق حاکمان ترک و مغول و دیگران این مفاهیم سیاسی-اجتماعی وارد منطقه ما شده و پشتون‌ها آن‌ها را به زبان و فرهنگ خود جذب کرده اند.

از این‌رو کلمات و نام‌ها را اگر تغییر هم بدهید، اما میدان برای حضور سیاسی شما هموار نباشد، آن مفاهیم و نام‌های تازه از کسانی خواهد شد که توانایی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی دارند. اگر مثلاً نام افغانستان را خراسان بسازید ولی قاعده سیاست دمکراتیک نشود آن را کسانی از خود خواهند کرد که تفنگ، پول، روابط منطقه‌ای و بین‌المللی مؤثر برای لابی و همکاری دارند. اگر به فرض وضعیت طوری می‌شد که حکومت ربانی دوام می‌آورد و جمعیت و شورای نظام برای پنجاه سال حکومت مقتدری را اداره می‌توانستند که در آن قدرت سیاسی و اقتصادی و نظامی عمدتاً به دست حاکمان تاجیک می‌بود و در اکثر میزهای منطقه‌ای و بین‌المللی چهره‌های تاجیک به نام افغانستان حضور می‌یافتند، آن وقت افغان معنای تازه‌ای می‌یافت. در آن صورت احتمالاً پشتون‌ها در پی ساختن پشتونستان می‌شدند و از افغان دوری می‌کردند.

انرژی خود را برای تغییر نام‌ها صرف نکنید بلکه برای بازتعریف آن‌ها بکوشید. برای تغییر محتوای سیاست کار کنیم. وقتی محتوای سیاست دمکراتیک و سکولار شود، ظرف خود را پیدا خواهد کرد.